اقتصاد سرآمد
دوشنبه۱۱اسفند ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۱۳

خبر

خلع سلاح شدن کشور در جنگ اقتصادی با تصویب لوایح FATF

رئیس مرکز ارزیابی و نظـارت راهبردی اجرای سیاسـت‌های کلی نظام با تاکید بر اینکه در شـرایط موجود، پیوسـتن به کنوانسیون های مرتبط با FATF، ایجاد زیرساخت حقوقی برای گشایش پرونده برای ما بابت دور زدن تحریم اسـت، گفت: آنچه ما برای دور زدن تحریم انجام می‌دهیم، از نظر دشمن ما پولشویی است.

به گزارش اقتصادسـرآمد، اخیرا با توجه به موافقت رهبر معظم انقلاب با تمدید زمان بررسی لوایح درخواستی FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت نشستی با موضوع «بررسی مواجهه راهبردی جمهوری اسـلامی ایران با FATF» و با حضور سید جبرائیلی، یاسـر جبرائیلی رئیس مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی اجرای سیاسـت های کلی نظام و عارف حسـین زاده تحلیلگر کارگروه حقوقی-قضایی پژوهشـکده حکمت برگزار کرد که گزارشی از این نشست در ادامه آمده است:

در این نشسـت موضوعات مختلفی مانند دسـتور رهبری برای بررسی مجدد کنوانسـیون های تکلیفی FATF، به معنای تایید این کنوانسیون ها نیست، مسئله واکسن کرونا با FATF ارتباطی ندارد، ارتباط مسئله FATF با تحریم‌ها، گام بعدی FATF در تقابل با ایران، مسئله تامین مالی اشاعه است و همچنین در صورت پیوستن ایران به کنوانسیون های تکلیفی، تضمینی برای خروج از لیست کشورهای غیرهمکار وجود ندارد، مطرح شد. با توجه به اهمیت موضوع ارتباط مسئله FATF با تحریم‌ها، مباحث مطرح شده درباره آن در این نشست در ادامه آمده است:

یاسـر جبرائیلی با بیان اینکه برخی در دولت تصریـح کردند عدم اجرای FATF باعث می شود در لیست سـیاه قرار بگیریم و معتقدند که در نبود تحریم‌ها این استانداردها موثر خواهد بود، گفت: مگر خبری از رفع تحریم ها هست که شما می گویید اگر تحریم ها نباشند؟

وی اضافه کرد: آقایان می گویند که اگر در آینده تحولاتی رخ بدهد و تحریم ها لغو شـود، ما نیاز داریم به این اسـتانداردها. دولت محترم هیچ نشانه و سندی مبنی بر اینکه تحریم ها قرار است برداشته شود، ارائه نکرده است. ما هم گفته ایم هر وقت تحریم نبودیم، مثل بقیه استانداردهای بانکی که اجرا می‌کنیم، این‌ها را هم اجرا خواهیم کرد.

رئیس مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی اجرای سیاست های کلی نظام ادامه داد: اما در شرایط موجود، پیوستن به این دو کنوانسیون، ایجاد زیرساخت حقوقی برای گشایش پرونده برای ما بابت دور زدن تحریم است زیرا آنچه ما برای دور زدن تحریم انجام می‌دهیم، از نظر دشمن ما پولشویی است و کسـانی را که به خاطر دور زدن تحریم با ما همکاری می کردند، آمریکا و شرکایش زندانی کردند و اتهام شان پولشویی مطرح شده است.

عارف حسین زاده نیز با بیان اینکه وقتی که در قالب سوئیفت، نقل و انتقال پول صورت می گیرد، یک پیام حاوی اطلاعات این مبادله برای خزانه داری آمریکا ارسال می شود و آنها با SDN لیست تطبیق می دهند، گفت: اگر ذینفع واقعی آن مبادله در لیست تحریمی آمریکا باشد، وزارت خزانه داری آمریکا ورود می کند و بوسیله تحریم‌های ثانویه خود، آن بانک و شخص حقیقی یا حقوقی معامله کننده را مورد تنبیهات خودش قرار می دهد.

وی اضافه کرد: در مورد FATF، مسـئله ای که وجـود دارد گره خوردن FATF با تحریم هاست. اساسا این که ما می گوییم نباید توصیه‌های FATF را بپذیریم. به خاطر همین بحث تحریم‌ها می باشـد ما تا زمانی که تحریم هستیم، به هیچ وجه نمی توانیم توصیه های FATF را اجرا کنیم زیرا FATF می تواند درخواست بررسـی تراکنش های مشکوک را داده و حتی انتشار آنها بوسیله واحد اطلاعات مالی (FIU) را داشته باشد.

تحلیلگر کارگروه حقوقی-قضایی پژوهشـکده حکمت ادامه داد: FIU یا واحد اطلاعات مالی کارش این اسـت که مبادلات بالای پانزده هزار دلار یا یورو را ثبت کرده و به تحلیل آن‌ها می پردازد و برای مبادلات مشکوک پرونده سـازی نموده و آن را در اختیار نهادهای قضایی قرار می دهد و در نهایت، باید در گروه اگمونت انتشار هم بدهد. این انتشار اطلاعات در زمانی که ما جنگ اقتصادی داریم، قطعا کمک به دشمن است.

حسـین زاده با تاکید بر اینکه FATF در جنگ اقتصادی ما را خلع سـلاح می‌کند و ما را از دور زدن تحریم ها باز می‌دارد، اظهار داشـت: پس به هیچ وجه نباید در زمان حاضر و تا زمانی که تحریم های آمریکا رفع نشده است، توصیه های آن اجرا بشود.وی اضافه کرد: در خصوص رفع تحریم هم نکته ای که وجود دارد، این است که برخی رفع تحریم را با بازگشت آمریکا به برجام مساوی می دانند. حتی اگر این اتفاق هم بیفتد، رفع تحریم بطور کامل انجام نشده است. در حال حاضر، ما در قطعنامه ۲۲۳۱ چندین نهاد و چندین شخص تحریم شده داریم، ما بعد از برجام هم حتی تعداد زیادی اشخاص حقیقی و حقوقی تحریم شـده در SDN لیسـت داریم کـه اگر بخواهیم توصیه‌های FATF را اجرا کنیم، مسـئله خودتحریمی به وجود می آید و دوگانه‌ای بین نهادهای تحریم شده در کشـور و نهادهای تحریم نشده در کشور به وجود می آید. کما اینکه در گذشته هم برای مدتی پیش آمد، این دوگانه کشور را در جنگ اقتصادی زمین گیر می کند. به همین دلیل، تا زمانی که همه تحریم‌ها به طور کامل رفع نشده است، جمهوری اسلامی ایران نمی تواند توصیه های FATF را اجرا کند. / فارس

سودبازرگانی گزینه مناسب جلوگیری از واردات کالاهای لوکس

یک کارشـناس امور اقتصادی با اشاره به افزایش سـخت گیری در ثبت سفارش و تخصیص ارز واردات، گفت: سود بازرگانی سنگین تا به امروز بسیار موثرتر از مالیات مسـتقیم در خصوص واردات کالای لوکس عمل کرده است.

به گزارش اقتصادسرآمد، جمشید عدالتیان، کارشناس امور اقتصادی درباره اخذ مالیات بر کالاهای لوکس گفت: مشکل مسئله مطرح شده در این بخش قرار دارد که تعریف مشخصی از کالای لوکس و آنتیک وجود ندارد، بنابراین برای افراد مختلف با توجه به طبقه اجتماعی که در آن قرار دارند، متفاوت است. به این معنا؛ هر کالای غیرقابل دست یافتنی لوکس به حساب می‌آید و متاسفانه وقتی قانون راجع به کالای لوکس وارد بحث می‌شود، ظاهرا بیشتر خودرو را مدنظر دارد و موارد دیگر مورد توجه قانونگذاران نبوده است.

وی در ادامه ابراز کرد: نبود تعریف دقیـق از کالای لوکس یکی از عواملی است که سبب عدم رعایت قانون می‌شـود. البته باید مورد توجه داشت که گمرک یا واردات برخی از کالاهایی که آنتیک و بسـیار لوکس به حساب می‌آیند را ممنـوع اعلام کرده و یا سـود بازرگانی زیادی بـرای آن‌ها در نظر گرفته اسـت. با این حال نکته مهم در این بخش قرار دارد که با وجود ممنوعیـت درباره برخی کالاها ماننـد مبلمان، اما در بـازار بر فرض مبل ایتالیایی قابل رویت و خرید است.

این کارشناس امور اقتصادی در خصوص تاثیر مالیات بر کالای لوکس افزود: سود بازرگانی سنگین تا به امروز بسیار موثرتر از مالیات مستقیم بوده زیرا سود بازرگانی همان مالیات به حساب می‌آید که به صورت غیر مستقیم اخذ می‌شـود و با این کار برای فعالان اقتصادی واردات کالاهای لوکس صرفه اقتصادی نخواهد داشت.

عدالتیان درباره تاثیر نظارت بر عدم تخصیص ارز به ویژه ارز ترجیحی بر کالای لوکس و غیرضروری تاکید کرد: دریافت ارز منوط به ثبت سفارش اسـت، بنابراین زمانی که این کار صورت نگیرد، ارزی هم تعلق نخواهد گرفت. اکنون ورود کالایی تحت عنوان آنتیک یا لوکس به کشور سخت‌تر شـده و تا جایی که اطلاع دارم اختصاص ارز در این خصوص با سـخت گیری‌هایی همراه است.

وی درباره بحث نظارت در این زمینه نیز اظهار داشت: اتفاقات عجیبی در خصوص ثبت سفارش و ورود کالاها به داخل کشـور روی داد که سبب شکل گرفتن اعتراضاتی هم شد، اما همانطور که اشاره کردم به نظر می‌رسد بر سامانه ثبت سفارش سخت گیری‌های بیشتری صورت می‌گیرد. کم کاری در این رابطه را هم نمی‌توان صرفا بر عهده وزارت صمت یا بانک مرکزی انداخت، به نظر می‌رسد هر دو دچار اشتباه شدند.

تمدید کارت‌های بانکی منقضی تا پایان سال ۱۴۰۰

تمهیدات ویژه بانک مرکزی که پیش از این با هدف کاهش مراجعات حضوری به شعب بانک‌ها در راستای مقابله با شیوع ویروس کرونا به شبکه بانکی ابلاغ شده بود، در سال ۱۴۰۰ نیز ادامه دارد.به گزارش اقتصادسرآمد، این بانک در بخشنامه ای به شبکه بانکی تاکید کرد با توجه به شرایط خاص بهداشتی کشور و نیز در راستای مدیریت، کنترل و پیشگیری از شیوع ویروس کرونا، به منظور تسهیل استفاده هم‌وطنان از درگاه‌های غیرحضوری و کاهش مراجعات حضوری مردم به شعب و دستگاه‌های خودپرداز، موارد مقرر در بخشنامه شماره ۹۹.۲۷۶۰۹۱ مورخ ۲۹ آبان ۱۳۹۹، در سال آتی (۱۴۰۰) نیز در دستور کار قرار گیرد.بر این اساس تمهیدات ویژه بانک مرکزی با هدف کاهش مراجعات حضوری به شعب بانک‌ها در راستای مقابله با شیوع ویروس کرونا به شرح زیر است:-سقف انتقال وجه کارت به کارت شتابی و درون بانکی از مبدا هر کارت به ۱۰۰ میلیون ریال در هر روز افزایش می‌یابد. -سقف مجاز انتقال وجه کارت به کارت از طریق پرداخت‌سازها از ۱۰ میلیون ریال به ۳۰ میلیون ریال با حصول اطمینان از انطباق شماره ملی دارنده کارت و شماره ملی دارنده سیم کارت انجام‌دهنده تراکنش قابل افزایش است.

بازارهای رقابتی و تنگ‌تر شدن عرصه فعالیت بنگاه‌ها در بررسی «اقتصاد سرآمد»

دخالت دولت بر نظام اقتصادی به بهانه منع انحصار

مهدیه ضیائیان -اقتصاد سـرآمد - نظریه تبدیل شـدن بازارهای رقابتی به انحصاری ابتدا از سـوی منتقدان نظام بازار به‌ویژه مارکسیسـت‌ها مطرح شـد. آن ها با مشاهده تحولات اقتصادی قرن نوزدهم که طی آن تعـداد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط سـنتی و قدیمی رفته‌رفته جای خود را به بنگاه‌های بزرگ‌تر با تعداد اندک می‌دادند این فکر را مطرح ساختند که با توسعه نظام سرمایه‌داری تمرکز سرمایه صورت می‌گیرد به طوری که بنگاه‌های کوچک‌تر با توان سـرمایه‌ای کمتر نمی‌توانند با بنگاه‌های بزرگی که به علت برخورداری از امکانات گسترده سـرمایه‌ای یعنی ماشین‌آلات و تکنولوژی پیشرفته، کارآیی و بهره‌وری بالاتری دارند رقابت کنند.

تمرکز سرمایه به این معنا اسـت که از تعداد زیاد بنگاه‌های موجود در بازار، بسیاری به علت ورشکستگی و فقدان توان رقابتی از دور خارج می‌شوند و تعدادی دیگر در بنگاه‌های بزرگ‌تر ادغام می‌شوند. این فرایند نهایتا به سـلطه تمام و کمال تعداد اندک بنگاه‌های بزرگ انحصاری یا شبه‌انحصاری در کل اقتصاد می‌انجامد. البته مارکسیست‌ها تنها کسانی نبودند که خبر از بین رفتن تولیدکنندگان کوچک و متوسط و حاکمیت یافتن انحصارها می‌دادند. اقتصاددانانی با رویکرد تحلیلی نئوکلاسیک نیز با مشاهده ادغام‌های بزرگ اوایل قرن بیستم، نظریه کم‌وبیش مشابهی را مطرح می‌ساختند گرچه نتیجه‌گیری‌های آنها متفاوت بود. دو استاد دانشـگاه آمریکایی به اسـامی برل و منیز در کتابی تحت عنوان بنگاه مدرن و مالکیت خصوصی که در سال ۱۹۳۲ منتشر شد با استناد به روند گذشته پیش‌بینی کردند که در کمتر از سی سـال، ۲۰۰بنگاه درجه اول آمریکایی تقریبا تمامی تولید صنعتی کشور را در انحصار خود خواهند داشـت. (لوپاز، ۱۴۷) تداوم این گونه اخطارها مقامات رسمی دولت آمریکا را به اتخـاذ تدابیری در جهت ممانعـت از ادغام‌های بزرگ و شکل‌گیری بازارهای انحصاری واداشت. اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که این گونه نگرانی‌ها بی‌مورد بوده و صرفا به افزایش دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها انجامیده است. بررسی‌های مربوط به سه دهه پس از جنگ دوم جهانی نشـان می‌دهد که به‌رغم شکل‌گیری بنگاه‌های بسیار بزرگ فراملیتی، رقابت همچنان به عنوان یک واقعیت انکارناپذیـر وجود دارد و به عنوان موتور محرک رشـد و پیشـرفت اقتصادی عمل می‌کند. تعداد غول‌های بزرگی که در اثر رقابت کوچک شده و یا به کلی متلاشی شـده و از بین رفته‌اند، کم نیست. این فرایند نشان می‌دهد که صرف بزرگ شـدن و ائتلاف و ادغام، تضمین کافی برای جلوگیری از رقابت نیست. (لوپاز، ۱۶۲) پایداری رقابت در گرو زیادی تعداد بنگاه‌ها نیسـت بلکه همچنانکه واقعیات تجربی نیز نشان می‌دهند صرف آزادی ورود به فعالیت‌های اقتصادی و فقدان مقررات بازدارنده اسـت که رقابتی بودن بازار را تضمیـن می‌کند. نگرانی‌های بی‌مورد درخصوص تبدیل شـدن بازارهای رقابتی به انحصاری ناشی از رویکرد نادرست نسبت به عملکرد حقیقی بازارهای رقابتی است که حاصل آن می‌تواند، به بهانه تسهیل رقابت و منع انحصار، سلطه دولت بر نظام اقتصادی را افزایش داده و عرصـه را بر فعالیت بنگاه‌ها بیش از پیش تنگ‌تر کند.

سوءتفاهم بزرگی که مانع درک چگونگی بازارهای رقابتی می‌شود تصور فرایند رقابتی به عنوان رقابت کامل در تئوری نئوکلاسیک‌ها است. طبق این نظر سـاختار بازارها در برگیرنده طیفی است که بازار رقابتی کامل در یک سوی آن و انحصار صرف در سـوی دیگر است و میان این دو بازارهای رقابتی ناقص (رقابت انحصـاری) و انحصار چندجانبه قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی بازار رقابت کامل در بهینه کردن کامل تخصیص منابع است یعنی در این بازار همه منابع کمیاب اقتصادی به مطلوب‌ترین وجه ممکن تخصیص می‌یابد و قیمت کالاها برای مصرف‌کنندگان در پایین‌ترین سـطح ممکن قرار می‌گیرد. هرگونه انحراف از شرایط بازار رقابت کامل به معنی دور شـدن از وضعیت بهینـه (پارتو) و در نتیجه تخصیص بالنسـبه غیربهینه و نامطلوب منابع تلقی می‌گردد. اما مساله اینجا است که وجود بازار رقابتی کامل مستلزم پیش‌شرط‌هایی است که برخی از آنها در دنیای واقعی اساسا غیرممکن است.

از این رو همه بازارهای واقعی کم‌وبیش از وضعیت بهینه دور هستند و نتیجه‌ای که از این واقعیت گرفته می‌شود این است که بازارها به خودی خود قادر به بهینه کردن تخصیص منابع نیسـتند و دخالت دولت برای اصلاح امور و حرکت به سـمت وضعیت مطلوب‌تر ضروری است. به این ترتیب مداخله فعالانه دولت حتی بـه بهانه رقابتی‌تر کردن فضای کسب‌وکار توجیه می‌شود. تالی فاسد این رویکرد از کار انداختن فرایند ثمربخش رقابتی یعنی فرایند اکتشـاف و خلاقیت از سـوی مقامات حکومتی است.

مساله اینجا است که تئوری رقابت کامل تصویر مخدوش و نادرستی از واقعیت فرایند رقابتی به دست می‌دهد و ویژگی‌های مهم و تعیین‌کننده آن یعنی اسـتقرار شـبکه کارآمد اطلاعاتی که به صورت یک جریان اکتشـافی عمل می‌کند و نیز ایجاد فرصت‌های خلاقانه آنترپرنری را از چشم‌ها پنهان می‌دارد. اطلاعات کامل همه مشارکت‌کنندگان در بازار در رابطه با متغیرهای موثر بر تصمیم‌گیری آنها یکی از پیش‌فرض‌های اصلی بازار رقابت کامل است. این فرض نه تنها غیرواقعی و در شرایط زندگی انسـانی غیرقابل حصول اسـت بلکه نفی‌کننده منطقی علت وجودی رقابت اسـت. علت وجودی رقابت جهل یا به عبارتی دیگر نقص اطلاعاتی نسـبت به واقعیات انضمامی اسـت. اگر مـا از آغاز اطلاعات کامل و یقینی داشـتیم که کدام دونده سریع‌تر می‌دود دیگر نیازی به انجام مسابقه و رقابت نبود. رقابت یک اسلوب اکتشاف است که طی آن ما بر جهل خود نسبت به برخی واقعیات فائق می‌آییم. شناخت با کیفیت‌ترین کالاها با کمترین قیمت تنها در انتهای فرایند رقابتی حاصل می‌شود نه در ابتدای آن. همچنین است شناخت کم‌هزینه‌ترین منابع و شیوه‌های تولیدی برای بنگاه‌های اقتصادی. رقابت در بازار به صورت تبلیغات، شکستن قیمت‌ها، بهبود بخشیدن به کیفیت کالاها و خدمات بروز می‌کند. اگر فروشندگان شناخت کاملی از تقاضای همه خریداران داشته باشند دیگر نیازی به چنین اقدامات رقابتی نخواهند داشت، یعنی با فرض در اختیار داشتن اطلاعات کامل، فعالیت‌های رقابتی بی‌مورد خواهد بود. (هایک، ۹۶،۱۹۴۹) تلاش رقابتی برای یافتن کم‌هزینه‌ترین شـیوه‌های تولیدی به علت جهل اطلاعاتی صورت می‌گیرد، با فرض معلوم بـودن این اطلاعات رقابـت میان بنگاه‌ها چـه معنایی خواهد داشـت؟ به علاوه، تصور رقابت به صورت وضعیتی مفروض و ایستا، همانند آنچه در تئوری تعادل عمومی مطرح می‌شود، کاملا نادرست و خلاف واقعیت جریان رقابتی است. رقابت فرآیندی پویا و دائما در حال جنبش است، از این رو حتی اطلاعاتی که طی آن حاصل می‌شود قطعی و تغییرناپذیر نیست.

پیش فرض نادرست دیگر تئوری رقابت کامل، یکسان بودن یا همگنی کالاها و خدمات تولیـدی در بازارهای رقابتی اسـت. در واقع بخش بزرگی از فعالیت‌های رقابتی ناظر بر بهبود بخشـیدن به کیفیت کالاها و خدمات و کسب رضایت مصرف‌کنندگان است. یعنی جریان رقابتی در حقیقت عبارت است از تولید کالاهای رقیب یا جایگزین با کیفیت بهتر که دارای مطلوبیتی بیش از کالاهای موجود است. واضح است که با مفروض گرفتن همگنی کامل کالاها، رقابـت به مفهوم فوق بی‌معنا خواهد بود و فعالیت رقابتی صرفا منحصر به کاستن از قیمت‌ها خواهد شد. هدف از رقابت میان تولیدکنندگان، جلب مشتری از طریق فراهم ساختن مطلوبیت بیشتر برای آنها اسـت. در عالم واقع این امر بیشتر از طریق عرضه کالاها و خدمات باکیفیت بهتر و نیز کالاهای جایگزین با مطلوبیت فزون‌تر صورت می‌گیرد تا به صرف کاستن از قیمت کالاهای همگن، بنگاه‌های اقتصادی دائما در حـال رقابت برای ابداع کالاهای جدید و جایگزین هستند و همین نوع رقابت است که موجبات پیشرفت و رفاه بیشتر افراد را در جامعه فراهم می‌آورد. از این رو، مفروض دانستن همگنی کالاها برای نیل به وضعیت تخصیص مطلوب منابع دور از واقع است و حاکی از دیدگاه نادرستی اسـت که مهم‌ترین دستاورد جریان رقابتی یعنی تحول در جهت پیشرفت و فراهم آوردن مطلوبیت و رفاه بیشتر را نادیده می‌گیرد.

اگر بپذیریم که آنچـه واقعا در بازار اتفاق می‌افتـد عمدتا رقابت میان کالاهای جایگزین نزدیک به هم اسـت و نه کالاهـای همگن، در این صورت به طور منطقی به این نتیجه خواهیم رسـید که قیمت کالاها در بازار منطبق با هزینه نهایی تولید آنهـا نخواهد بود. در نتیجه تخصیص منابع هیچگاه همانـند ادعای تئوری رقابت کامل بهینه نخواهد شـد. این مسـاله منتقدین نظام بازار را بر آن داشته که کل فرآیند رقابتی را به عنوان جریان بهینه ساختن تخصیص منابع مورد تردید قرار دهند یعنی از یک مقدمه درسـت (منطبق نبودن قیمت بازار بر هزینه نهایی تولید) یک نتیجه کاملا نامربوط و نادرسـت بگیرند و مدعی شوند که رقابت

در خدمت افزایش مطلوبیت مصرف‌کنندگان نیست. واقعیت این است که در شرایط ناهمگن بودن کالاهای تولیدی بنگاه‌ها، درست است که قیمت در حد هزینه نهایی تولید تثبیت نمی‌شود اما با این حال، رقابت میان کالاهای جایگزین موجب می‌گردد کـه قیمت هر کالایی در حد هزینه نهایی نزدیک‌ترین کالاهای جایگزین پایین بیاید و این دستاورد کوچکی برای مصرف‌کنندگان نیست. برای درک بهتر این موضوع بهتر اسـت وضعیتی را در نظر بگیریم که بنگاه‌های جدید مجاز به ورود به بازار و تولید کالاهای مشابه نباشـند. در این صورت مصرف‌کنندگان آزادی انتخاب نخواهند داشـت و ناگزیر خواهند بود به خواسته‌های تولیدکنندگان تسلیم شوند. کیفیت پایین و قیمت‌های بالا از ویژگی‌های این گونه بازارهای غیررقابتی و اسارت‌آور برای مصرف‌کنندگان است. مزیت بازارهای رقابتی در این نیست که کالاها را به قیمت هزینه نهایی تولیدشان عرضه می‌کند بلکه در این است که کالاهای مورد درخواست مردم را با کیفیت بهتر و قیمت ارزان‌تر در اختیار آنها می‌گذارد.

از این قضیه درسـت که رقابت کامل عملا تحقق‌ناپذیر اسـت و بازار رقابتی الزاما موجب پایین آمدن قیمت کالاها در حد هزینه نهایی تولید آنها نمی‌گردد، نمی‌توان این نتیجه نادرست را گرفت که رقابت موجب کاهش قیمت و بهبود کیفیت کالاها نمی‌شود. نقصان‌های واقعی و ناگزیر تئوری رقابت کامل را نمی‌توان به صورت برهانی علیه رقابت به طور کلی به کار برد، همان طور که مشکلات رسیدن به یک راه‌حل کامل در هر کاری نمی‌تواند دلیلی برای ترک کوشـش جهت حل مساله گردد، یا همان گونه که فقدان سـلامتی کامل نمی‌تواند برهانی برای مخالفت با سلامتی تلقی گردد. (هایک، ۱۰۵،۱۹۴۹) غفلت از این واقعیت مهم موجب شده از سوی دیگر، حتی برخی طرفداران نظام بازار نیز ضرورت دخالت دولت را در نظام اقتصادی به بهانه حمایت از رقابت و برطرف کردن نقص‌های بازارهایی که عملا رقابتی کامل نیسـتند یعنی دخالت در همه بازارها را بپذیرند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهـم رقابت چه در زمینـه اقتصاد و چه در سـایر عرصه‌ها، کارکـرد آن به عنوان اسـلوب خلاقیـت و نوآوری است. نوآوری‌های علمی و تکنولوژیک ناشـی از رقابت آزادانه میان نظریه‌پردازان و کارشناسان اسـت. از این رو می‌توان گفت که آزادی رقابت صرفا یک ارزش اخلاقی نیسـت بلکه در عین حال یک منطق یا سیستم است که روابط میان اهل علم و فن و سایر مشارکت‌کنندگان در عرصه رقابت را به کارآمدترین وجهی نظم بخشـیده و با هم‌افزایی استعدادها موجب بیشترین پیشرفت‌ها و خلاقیت‌ها می‌گردد. (پولانی، ۶۲) این تصور از رقابت که در روابط اقتصادی نیز صدق می‌کند تفاوت اساسی با جایگاه رقابت در نظریه رقابت کامل و تعادل عمومی دارد. اگر بپذیریم که فرآیند رقابتی به آفرینندگی منابع جدید می‌انجامد بنابراین باید در تعریف علم اقتصاد به عنوان علم تخصیص منابع از قبل موجود، تجدید نظر کنیم. تصور ایسـتا از علم اقتصاد که در آن مسـاله اساسی تخصیص منابع از پیش تعیین شده است جای خود را به تصور پویایی می‌دهد که در آن میزان منابع تابعی از عملکرد بازار رقابتی است و پابه‌پای آن دائما تغییر می‌کند. این چارچوب جدید علمی افق‌های ناشناخته‌ای را در برابر علم اقتصاد گشوده اسـت که نتایج آن قابل پیش‌بینی نیست. (بوکانان و وانبرگ، ۳۱۵) در این چارچوب جدید نظری، رقابت دیگر در محدوده تنگ فرض‌هایی مانند تعـداد زیاد بنگاه‌ها، اطلاعات کامل و یا همگنی کالاها تعریف نمی‌شـود. آفرینندگی چه در بازار و چه در عرصه‌های دیگر تنها در گرو یک شرط اساسی است و آن عبارت است از آزادی فعالیت. احراز وجود شرایط رقابتی ربطی به تعداد کم یا زیاد بنگاه‌ها ندارد بلکه منوط به آزادی ورود رقبای جدید اسـت. رقابتی یا غیر رقباتی بودن شرایط را از روی ابعاد مقررات بازدارنده ورود به بازار می‌توان سنجید و نه تعداد فعالان اقتصادی موجود. (کرزنر، II،۵) درک نادرسـت از جریان واقعی بازار رقابتی اغلب به توجیهی برای دخالت دولت در امر تسهیل رقابت شده است، دخالتی که به جای رفع مشکلات اغلب بر ابعاد و پیچیدگی آنها می‌افزاید. (کرزنر، I،۲) عنصر تعیین‌کننده بازار رقابتی، همانگونه که کرزنر توضیح می‌دهد، آنترپرنرها هستند که به عنوان کاشفان موقعیت‌های سرمایه‌گذاری و سودآوری فعالیت می‌کنند. فعالیت آنها در بازار براساس جسـت‌وجوی فرصت‌های سودآوری صورت می‌گیرد، فرصت‌هایی که از دید فعالان اقتصادی گذشته و حال پنهان مانده است. تجربه‌های ماجراجویانه آنترپرنر در بازار و موفقیت یا شکست او در عمل راه را برای خود وی و دیگران در جهت استفاده بهتر از منابع و موقعیت‌های موجود باز می‌کنـد. به این ترتیب فرآیند بازار رقابتی نه تنها اطلاعات مربوط به کمیابی‌ها را آشکار می‌سازد بلکه راه‌های برآورده سـاختن آنها را نیز نشان می‌دهد. فعالیت آنترپرنرها و رقابت ناشی از آن نیروهای پیش برنده فرآیند بازار هستند. فرصت‌های سودآوری در حقیقت نشانه ناسـازگاری‌ها و عدم تعادل‌ها هستند و عملکرد بازار از طریق فعالیت آنترپرنرها ناظر بر کشف و برطرف کردن این عدم تعادل‌ها است. این فرآیند را می‌توان نوعی حرکت در جهت تعادلی دانست که دائما در حال تغییر و بنابراین به طور قطعی غیر قابل حصول است. واقعیت این است که وضعیت‌های عدم تعادل همیشگی است زیرا رجحان‌های افراد از یکسو و تکنولوژی از سوی دیگر دائما در حال تغییر اسـت. بنابراین آنچه در بازارهای رقابتی روی می‌دهد عبارت است از اطلاع‌رسانی درباره عدم تعادل‌ها و نیز تلاش در جهت هماهنگی بهتر برای برطرف ساختن آنها (بکهاوس، ۲۱۰). آنترپرنرها همیشه به دنبال سود فوق‌العاده هستند اما این را نباید با رانت انحصاری ناشی از منع رقابت یکسان تلقی کرد. سود فوق‌العاده آنترپرنر که ناشی از مرحله اول فعالیت نوآورانه اسـت با ورود رقبـای جدید به عرصه فعالیت به تدریج کاهش می‌یابد و به سود عادی تبدیل می‌شود. اما رانت انحصاری صرفا ناشـی از ممانعت ورود رقبا به بازار از طریق مقررات محدودکننده حکومتی است و تا زمانی که این مقررات از میان برداشته نشود همچنان باقی خواهد ماند. آنچه برای شکل‌گیری بازارهای رقابتی ضرورت دارد فراهم آوردن امکان فعالیت آزادانه آنترپرنرها و برداشتن همه موانع ورود به بازار برای رقبای جدید است. دولت‌ها ممکن است به بهانه ممانعت از انحصار و تشویق و تسـهیل رقابت اقدام به مداخله در نظام اقتصادی و مقررات‌گذاری کنند. امـا اینگونه مقررات همانند مقررات دولتی مشـابه در موارد دیگر بیش از آنکه به هدف اصلی خود نایل آید خواسـته‌ها و منافع سیاستمداران و دیوانسـالاران را برآورده می‌سازد و اغلب روی انگیزه‌های آنترپرنرها برای استفاده از فرصت‌ها تاثیر منفی می‌گذارد. آثار زیانبار زمانی شدت می‌یابد که مقررات دولتی مانع کسـب سـودهای آنترپرنری می‌گردد یا آنها را محدود می‌کند. مقررات دولتی با ایجاد اختلال در بازارهای رقابتی، به جریان اکتشاف فرصت‌های سـرمایه‌گذاری جدید لطمه وارد آورده و سود انحصاری بنگاه‌های مورد حمایت را جایگزین سود فوق‌العاده آنترپرنرها می‌کند. پویایی بازار و دستاوردهای آن برای مصرف‌کنندگان مستلزم آزادی ورود رقبای جدید برای کشف فرصت‌های سودآوری است. مقررات دولتی از دو طریق این پویایی را از بازار سـلب می‌کند، یکی از طریق افزایش قدرت دیوانسالاران و سلطه آنها بر فعالان اقتصادی و دیگری به واسطه ممانعت و یا ایجاد انحراف در استفاده از فرصت‌های سودآوری.

همانگونه که کرزنر تاکید می‌ورزد، سیاست‌های ضد انحصار مدرن ریشه در مدل تعادل رقابت کامل دارند. یعنی اگر از این فرض اولیه آغاز کنیم که کارایی کامل تخصیص منابع مستلزم دسـتیابی به شرایط لازم برای رقابت کامل است، هرگونه انحراف از این شرایط به صورت یک تهدید تلقی خواهد شـد، تهدیدی نه تنها علیه مصرف‌کنندگان که در معرض قیمت‌های انحصاری بالاتر قرار می‌گیرند بلکه همچنین تهدیدی علیه خصلت‌های کارایی تخصیصی کل نظام بازار (بکهاوس، ۲۱۲). پیش از این، به تناقضات و ناسازگاری‌های این رویکرد اشاره شد، اما قوانین ضد انحصار و تسهیل رقابت که از سوی دولت‌ها پیشنهاد می‌شود عمدا مبتنی بر چنین رویکردی است. هدف نهایی این قوانین برقراری شرایط مدل تعادل رقابت کامل است یعنی حفظ یا ایجاد تعمدی تعداد زیادی بنگاه و جلوگیری از تمرکز و ادغام‌هایی که ممکن است احیانا به کنترل بازار بینجامد، جلوگیری از ائتلاف‌های ناظر بر تعیین قیمت یا تقسـیم بازار از سوی تولیدکنندگان و ملزم کردن فعالان اقتصادی به انتشار اطلاعات کامل. تجربه کشورهای پیشرفته نشـان می‌دهد که اینگونه قوانین بیش از آنکه در خدمت پویایی بازار و خلاقیت و تحرک آنترپرنرها باشد به صورت ابزار فشار قدرت‌های سیاسـی بر فعالان اقتصادی عمل کرده اسـت. نتیجه اینگونه قوانین در عمل محدودتر شـدن حقوق مالکیت و آزادی‌های اقتصادی و نهایتا سـلطه بیشـتر دولت بـر جامعه مدنی می‌گردد. باید توجه داشت که آنچه مانع رقابت می‌شود قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز اسـت و نه تعداد کم یا زیاد مشارکت‌کنندگان در رقابت. با مقررات دولتی و بازرسی‌های پلیسی نمی‌توان مانع توافق و ائتلاف میان فعالان اقتصادی شـد، آنچه این ائتلاف‌ها را واقعا می‌تواند درهم بریزد آزادی ورود رقبای جدید به بازار اسـت. علت اصلی فقدان بازارهای رقابتی در هر جامعه‌ای، قوانین و مقررات بازدارنده و تبعیض‌آمیز است، از اینرو اضافه کردن یک رشـته جدید از مقررات به آنچه از قبل بوده، مشـکل را پیچیده‌تر می‌کند. موثرترین شیوه تسـهیل رقابت کاستن از مقررات بازدارنده است نه اضافه کردن آنها.

قوانین تسهیل رقابت و ضدانحصار اگر بر مبنای نظری علمی و سازگاری متکی نباشند، ممکن است در عمل ضربه مهلکی به کارآیی نظام اقتصادی و عملکـرد بازارها وارد آورند. اگـر به بهانه جلوگیری از سـودهای انحصاری، سود فوق‌العاده آنترپرنری مورد تهدید قرار گیرد، بازار پویایی و خلاقیت خود را از دست می‌دهد. سود آنترپرنری موتورمحرکه بازار رقابتی است، با خاموش کردن آن نباید انتظار توسعه بازارها را داشت. شکل‌گیری ادغام‌ها و ائتلاف‌ها و فروپاشی آنها بخشی از فرآیند اکتشاف فرصت‌های آنترپرنری اسـت، بنابراین جلوگیـری از آنها جامعه را از فرصت‌های نوآورانه محروم می‌سـازد. رقابت مفهوم مترادف آزادی و مقررات مفهوم مخالف آن است، از این رو تسهیل رقابت با مقررات بیشتر امکان‌پذیر نیست، بلکه برعکس از طریق مقررات‌زدایی است که می‌توان به شرایط رقابتی بهتری دست یافت.

اگر هدف از تسـهیل رقابت را افزایش کارآیی بازارها در جهت تامین خواسته‌های بیشـتر مصرف‌کنندگان بدانیم و عملکرد بازار رقابتی را همانند یک فرآیند سیستماتیک اکتشاف و اصلاح اشتباهات آنترپرنری تلقی کنیـم، می‌توانیم بگوییم که سیاسـت‌های رقابتی کـه به منظور ایجاد یا حفظ رقابت اعمال می‌شـوند، همان‌قدر برای فرآیند اکتشاف آنترپرنری زیان‌بخش هسـتند که دیگر مقـررات محدودکننده ورود رقبای جدید به بازار. مقررات دولتی در واقع به صورت عامل بازدارنده یا محدودکننده اکتشافات بیشتر عدم تعادل‌های موجود و فرصت‌های آنترپرنـری عمل می‌کند، یعنی بـه صورت یک مانـع در برابر فر